

## خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

### جایزه بین المللی دفاع از حقوق بشر برای امیر انتظام

بنیاد اتریشی برونو کرایسکی طی مراسمی که روز ۲۲ ژانویه در وین برگزار شد جایزه امسال این بنیاد را به آقای عباس امیر انتظام، تقدیم داشت. این بنیاد اعلام کرد که آقای امیر انتظام را بخاطر ۱۷ سال پایداری در زندان و مقاومت در برابر شکنجه و تلاشهای افشاگرانه اش در زمینه نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی ایران شایسته دریافت این جایزه دانسته است.

امیر انتظام در گفتگویی که بهمین مناسبت با رادیوی بین المللی فرانسه داشت اعلام کرد که این جایزه را بنمایندگی از طرف صدها هزار زندانی سیاسی که هزاران تن از آنان توسط رژیم کشته شده اند دریافت می کند. از آنجا که عباس امیر انتظام برغم آزاد شدن از زندان همچنان از حق مسافرت به خارج محروم است، وکیل ایشان آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی جایزه یاد شده را دریافت داشت.

### نگاهی به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در کردستان عراق

نشریه جهان امروز در شماره ۲۵ خود به نقل از دفتر نمایندگی کومه له در خارج کشور، اسامی ۲۱۹ نفر از قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی را که در فاصله سال های ۹۱ تا ۹۷ توسط عوامل جمهوری اسلامی کشته، زخمی و یا ربوده شده اند، انتشار داده است. این اسامی تمامی قربانیان تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را در کردستان عراق در بر نمی گیرد و تنها بخشی از کارنامه تروریستی رژیم را شامل می شود. این سیاست اکنون نیز همچنان ادامه دارد هر روز اخبار تازه ای از جنایات رژیم در کردستان عراق، علیه اپوزیسیون ایرانی و پناهندگان سیاسی انتشار می یابد.

باید گفت که از اوایل سال ۹۱ که کردستان عراق در پی قیام و مبارزه توده ای و همگانی و در شرایط مساعدی که پس از شکست عراق در جنگ خلیج بوجود آمد و حکومت مرکزی و نهادها و ارگان هایش به تمامی توسط مردم مسلح و احزاب آن از

کردستان کنده شدند، جمهوری اسلامی بطور فعالانه در تلاش بوده است که از یک طرف اثرات این خیزش همگانی را در کردستان ایران از بین ببرد و از طرف دیگر در خود کردستان عراق با استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت های خود دارو دسته های ارتجاعی را تقویت کرده و در این منطقه جایی برای خود دست و پا کند.

جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته نقشی جنایتکارانه و ارتجاعی در کردستان عراق داشته است. جمهوری اسلامی همواره سعی کرده است که حکومت محلی را در کردستان عراق از هر گونه اعتبار و توریته ای ساقط کند تا مبادا حصول یک موفقیت مردمی در آنجا، موجبات سرور و تقویت روحیه مردم را در کردستان ایران فراهم آورد. بر عکس جمهوری اسلامی در جهت ایجاد مشکلات جدی برای این مردم و ناکام ماندن جنبش آنها، تلاش کرد که تمام بنیه اقتصادی این جامعه فقیر را - هر اندازه ضعیف و کم- از بین ببرد. این است که تمامی امکانات تولیدی، کارگاه های شرکت ها و وسایل زیربنایی کردستان عراق حتی وسایل کارگاههای کوچک را با ارزان ترین قیمت به کمک باندهای مزدور محلی به تاراج برد. ابزار و آلات تولیدی را از همه جا بسوی ایران کشاند و مجال نداد تا از ابزاری که این جامعه می توانست از آن بعنوان منابع تولیدی حیاتی خود، بهره بگیرد، اثری باقی بماند.

**بقیه در صفحه ۲**  
**نوار آخرین مذاکرات دکستر قاسملو بسا نمایندگان جمهوری اسلامی در جلسه ای که با ترور وی پایان یافت، توسط دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در اختیاری روزنامه فرانسوی لوموند قرار داده شد.**

روزنامه لوموند در ستون 'چشم انداز' اول ژانویه ۱۹۹۸ خود، تحت عنوان 'مذاکره تراژیک پیرامون خود مختاری برای کردستان ایران' سند بسیار مهمی را منتشر کرد. این سند قسمتهای برجسته ای از نوار آخرین مذاکرات دکتر عبدالرحمن قاسملو را با فرستادگان ویژه جمهوری اسلامی، در بر دارد. این هیئت عبارت بود از یک تیم عالیرتبه سه نفره مرکب از شناخته شده ترین عوامل اطلاعاتی ارکان های ترور و سرکوب رژیم ایران.

به گفته یک سخنگوی حزب دموکرات در پاریس، دکتر قاسملو معمولاً در مذاکرات مهم سیاسی یک ضبط صوت کوچک به همراه خود داشت. و مطلب لوموند به این نوار استناد می کند.

هر چند قرار است که حزب دمکرات کردستان ایران کمی نوار مذکور را جهت انتشار مستقیم در اختیار کمیته ما قرار دهد، اما بدلیل اهمیت موضوع ما در این شماره، ترجمه مطلب لوموند را عیناً به نقل از هفته نامه کیهان چاپ لندن، شماره ۶۸۹، ۱۸ دی ۷۶، نقل می کنیم.

کریس کوچرا' روزنامه نگار لوموند' و نویسنده کتابی درباره مسئله کرد، این نوارها را شنیده است و چکیده آن را در لوموند، اول ژانویه ۹۸ منتشر کرده است. برگردان گزارش لوموند را می خوانید:

در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۹، عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، به ضرب دو گلوله در سر، به همراه دو تن از یارانش در آپارتمانی در وین به قتل رسیدند. در آن تاریخ قاسملو پس از دو بار تماس با نمایندگان جمهوری اسلامی در دسامبر ۱۹۸۸، بار دیگر با فرستادگان جمهوری اسلامی تماس گرفته بود.

جعفر صحرارودی، معاون بخش خارجی اطلاعات سپاه پاسداران مستقر در کردستان، در تیراندازی آپارتمان وین زخمی شد. صحرارودی بدون رویرو شدن با مانعی از سوی پلیس اتریش، از بیمارستانی که در آن تحت معالجه بود خارج شد، به سفارت جمهوری اسلامی رفت و در ۲۲ ژوئیه اتریش را ترک کرد. نفر دیگر، بزرگیان، مدتی توسط پلیس اتریش بازداشت بود، حکم جلب هم برای او صادر شد ولی سپس لغو گردید و به تهران بازگشت. نفر سوم نیز، حاج مصطفی لاجوردی، رئیس اطلاعات داخلی مستقر در کردستان، آزادانه اتریش را ترک کرد.

مذاکرات نمایندگان جمهوری اسلامی و رهبران کرد، توسط مذاکره کنندگان، روی کاست ضبط شد. پلیس اتریش پس از آن که مدتها این کاستها را در اختیار داشت اکنون آنها را به حزب دموکرات کردستان ایران داده است. ما توسط عبدالله حسن زاده، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، توانستیم این اسناد استثنایی را بشنویم.

عبدالرحمن قاسملو هرگز بدین دقت برداشت خود را از خودمختاری بیان نکرده بود. اظهارات نمایندگان جمهوری اسلامی نیز که تصور نمی کردند این کاستها روزی منتشر شود، نشانگر روحیه و روانشناسی و طرز تلقی مسئولان جمهوری اسلامی است که بین مفاهیم امروزی سیاست و مفاهیم عصر حضرت علی نوسان می کند.

بقیه در صفحه ۲

## نامه عبد الکریم لاهیجی به خاتمی

آقای عبد الکریم لاهیجی، رئیس 'جامعه' دفاع از حقوق بشر در ایران طی نامه ای خطاب به محمد خاتمی، رئیس جمهور ایران، خواستار رعایت و اجرای حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان ایران شد. او ضمن یادآور شدن شمه ای از موارد نقض آشکار و روزمره حقوق بشر در ایران، اعمال شکنجه و اعدام دهها هزار تن از زندانیان سیاسی و عقیدتی، طی شانزده سال اخیر حکومت جمهوری اسلامی، رئیس جمهوری جدید ایران را دعوت به اجرای وعده ها و برنامه انتخاباتی خود مبنی بر محترم شمردن اصل تکثر سیاسی، حرمت حقوق و آزادیهای فردی و در نتیجه اصول ناظر بر این حقوق، مندرج در میثاقهای جهانی حقوق بشر و نیز قانون اساسی ایران کرد. در این نامه، آقای لاهیجی به محمد خاتمی یادآور شده است: 'جنابعالی برخلاف گذشتگان، وعده حکومت قانون، احیای حقوق و آزادیهای اساسی ملت ایران و بسط و تقویت نهادهای جامعه مدنی را داده اید. اکثریت ملت ایران هم به مواضع و دیدگاههای جنابعالی رای اعتماد داده اند و از برنامه دولت شما پشتیبانی می کنند'. آقای لاهیجی در پایان نامه خود افزوده است: 'جامعه' دفاع از حقوق بشر در ایران هم بدین اعتبار با جنابعالی گفتگو را آغاز می کند. با این امید که کامهای اساسی در راستای اعاده حقوق و آزادیهای ملت ایران برداشته شود و زمینه تشکیل نهادهای جامعه مدنی و از جمله جامعه غیردولتی دفاع از حقوق بشر فراهم آید.

نگاهی به ...

جمهوری اسلامی بلافاصله به حمایت، پشتیبانی و تشکیل دستجات اسلامی مسلح پرداخت و با کمک های 'سختامندان' در پی آن بود که با اتکا به این دستجات، هم بوی خود، هم پیمانان مطمئن بیابد و هم ناشر ارتجاعی ترین و غیرانسانی ترین افکاری باشند که سالهاست در ایران بکار گرفته است.

جمهوری اسلامی همچنین در این جامعه آتش بیار جنگ و کینه و عداوت داخلی بوده است. هر اندازه که توانسته است نیروهای سیاسی این جامعه را علیه هم تحریک کرد و در جنگ های مختلفی ردپای این رژیم بخوبی نمایان است. در جنگ میان دستجات اسلامی و اتحادیه میهنی، جنگ میان حزب دمکرات کردستان عراق و حزب سوسیالیست و بالاخره جنگ چند ساله و بی پایان میان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات می توان رد پای جمهوری اسلامی را دید که چگونه در کار هر چه نا امن تر کردن این جامعه و بهره گرفتن از شرایط است.

جنگ داخلی چند ساله در کردستان عراق، بی ثباتی سیاسی در این منطقه و نداشتن منبع درآمدی برای این جامعه، بیکاری، جنگ، آوارگی... مصائب این جامعه را هر دم افزایش می دهد. احزاب سیاسی در کردستان عراق بویژه دو حزب عمده آن اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق، در جنگ قدرت میان خود، این جامعه را بیش از پیش به انحطاط کشانده اند. این

جنگ ناامنی را در کردستان عراق، شدیداً افزایش داده است و در کنار آن فقر روزافزون و افزایش گرسنگی و مرگ و میر، جامعه کردستان عراق را به طرز دردناکی به سقوط کشانده است.

جمهوری اسلامی که خود در بوجود آوردن چنین شرایط نقش داشته است اکنون در پی آن است که از این اوضاع نهایت استفاده و بهره برداری را بکند. با مرور زمان امکان و ظرفیت این رژیم در ترور و در حضور فعال تر در این جامعه افزایش یافته است. جمهوری اسلامی با اجنیر کردن دستجات مزدور، با ایجاد لانه های سرکوب خود در شهرهای کردستان عراق در قالب فعال کردن هلال احمر که در واقع یک پوشش تروریستی است و نیز با دستیابی به رابطه نزدیک تر با احزاب سیاسی آن منطقه که افراد زیادی از آنان را بعنوان مزدور خود اجیر کرده است، از شرایط بسیار مساعدی جهت اجرای برنامه های تروریستی خود علیه پناهندگان و فعالین سیاسی ایرانی و بویژه اعضای احزاب سیاسی اپوزیسیون ایرانی برخوردار شده است و تاکنون نزدیک به ۲۵۰ نفر از مبارزان سیاسی را در کردستان عراق زخمی، کشته و روده است. جمهوری اسلامی از این نیز فراتر رفته است. سال گذشته، یک لشکر ۲ هزار نفری از سپاه پاسداران با عبور از مرز در عمق خاک کردستان عراق و با کمک مستقیم اتحادیه میهنی مقر مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و اردوگاه پناهندگان کرد ایرانی را با انواع سلاحهای سنگین کوبید که خسارات مالی فراوانی ببار آورد. قبل از آن نیز اتحادیه میهنی را تحت فشار گذاشت که رادیوهای سازمانهای اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق را تعطیل نماید که بالاخره پس از ماهها کشمکش به تعطیلی رادیوی حزب دمکرات کردستان ایران انجامید.

در تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در کردستان عراق آشکارا میتوان رد پای احزاب حاکم در این منطقه را دید. این احزاب که هر گونه اعتقاد و اتکالی را به جنبش مردم و مبارزات آنان از دست داده اند و جنگ قدرت، دیپلماسی قدرت و اتکا به حکومتهای منطقه و قدرتهای سلطه جوی جهانی را به فعالترین سیاستهای خود تبدیل کرده اند، بدون شک در گستاخی جمهوری اسلامی که با کمترین دردسری بتواند نیت جنایتکارانه اش را پیش ببرد، تاثیر داشته است. اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب دمکرات کردستان عراق که در یک جنگ داخلی درگیرند برای بیرون راندن حریف از صحنه به هر اقدامی دست می زنند. عراق و ترکیه در نهان و آشکار به حمایت از حزب دمکرات کردستان عراق می پردازند و اتحادیه میهنی نیز که در برابر تجهیزات روزافزون حریف خود را بی دفاع می بیند، به جمهوری اسلامی روی آورده است. جمهوری اسلامی هم در مقابل دادن امتیازات کمی، بیشترین امتیازات را برای خود به دست آورده و راه تروریسم و نفوذ ارتجاعی اش را هر روز هموارتر می کند. هرچند کومه له و دمکرات بارها تاکید کرده اند که

مصالح جنبش مردم کردستان عراق را در نظر دارند و مایل نیستند که حضور آنان در کردستان عراق، فشار دیگری بر این مردم وارد آورد. اما احزاب حاکم در آنجا هر روز به بهانه ای عرصه را بر مهمانان ایرانی خود تنگتر می کنند. برای نمونه اتحادیه میهنی رادیوی حزب دمکرات را تعطیل کرده است. همچنین همواره تسهیلات بسیاری در اختیار ماموران مخفی اطلاعاتی جمهوری اسلامی می گذارد که در هیئتهای گوناگون به کردستان عراق سفر کند.

در حالی که حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له همواره تاکید داشته اند که در خاک کردستان عراق عملیات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی انجام نخواهند داد، بارها اتفاق افتاده که مزدوران جمهوری اسلامی در حال تلاش برای تدارک اقدامات تروریستی توسط این احزاب دستگیر شده اند و به خاطر رعایت مصالح مردم و سلسله مراتب اداری، آنان را به مقامات محلی تحویل داده اند تا هیچ بهانه ای به دست جمهوری اسلامی ندهند که بتواند بر اتحادیه میهنی فشار بیاورد. بارها مزدوران جمهوری اسلامی شناسایی شده اند، مناطق مسکونی آنها، تعداد افرادشان و نوع سلاح ایشان به مقامات محلی کردستان عراق معرفی شده اند.

اما برعکس، جمهوری اسلامی خاک کردستان عراق را جولانگاه خود کرده است. در میان احزاب سیاسی کم نیستند عناصری که آشکارا بنام جاسوسان جمهوری اسلامی شناخته می شوند.

این رژیم از وضع موجود در این منطقه استفاده می کند تا نفوذ خود را گسترش داده و از آن در معادلات سیاسی کنونی و آتی بهره گیرد. هر اندازه که جنگ میان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق تشدید گردد، جمهوری اسلامی امکان مانور بیشتری خواهد داشت. اتحادیه میهنی در این جنگ بیش از پیش بسوی جمهوری اسلامی دست دراز می کند و جمهوری اسلامی نیز از آن برای ترور و جنایت و اشاعه ارتجاع استفاده خواهد کرد. بنابراین باید هشدار داد که جان فعالین سیاسی در کردستان عراق همواره در خطر است. و آینده آن نیز بسیار مبهم است.

تروریسم جمهوری اسلامی در کردستان عراق فقط متوجه فعالین سازمانها و احزاب ایرانی مستقر در این منطقه نیست. این تروریسم کور تا کون ده ها پناهنده سیاسی را که سابقاً با یکی از احزاب فعالیت کرده و یا مستقیماً از خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی گریخته و در یکی از شهرهای کردستان عراق مستقر شده، ترور کرده، یا روده و به ایران برده است.

سازمانهای مدافع حقوق بشر باید در این زمینه فعال شوند تا هم جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به تروریسم و کشتن انسانها تحت فشار بگذارند و هم تا حد ممکن برای انتقال متقاضیان پناهندگی به کشورهای دیگر کمک کنند و آنها را تحت پوشش امنیتی سازمان ملل قرار بدهند.

قاتلان قاسملو آیا پس از شنیدن سخنان او کمتر به قتلش بستند یا این تصمیم حتی پیش از آغاز مذاکرات گرفته شده بود؟ با شنیدن کاسته می توان این سناریو را مجسم کرد: 'مقامات جمهوری اسلامی می دانستند که حزب قاسملو در اثر ضربات ارتش و انشعابهای جدید ضعیف شده است و وی مایل است اختلافات را از طریق مذاکره حل کند و شاید امیدوار بودند که او به راه حلی میانه، یعنی مجاز شدن فعالیت حزب دموکرات، تن در دهد. ولی قاسملو در مذاکرات اصرار داشت که رهبران جدید جمهوری اسلامی (خمینی در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ مرده بود) باید خودمختاری کردستان را اعلام کنند. نمایندگان رژیم تهران نتایج اولین دور مذاکرات را به اطلاع مقامات مسئول رساندند و دستور آمد که 'کلک آنها را بکنید'.

صحراوردی می گوید:

'سلام علیکم ما توافق کرده ایم که این تماسها بکلی محرمانه باشد چون دشمنان نمی خواهند این مسایل حل شود. حتی در داخل دولت جمهوری اسلامی برخی با این تماسها مخالفند. در داخل قوه مجریه هم نمی توان آشکارا این مسایل را مطرح کرد. قاسملو بدون مقدمه وارد اصل مطلب می شود:

'در آخرین دیدارمان راجع به دو موضوع صحبت کردیم: پذیرش اصل خودمختاری و آزادی فعالیت حزب ما. شما جواب دادید که در حال حاضر رهبران رژیم با پذیرش خودمختاری موافق نیستند. نکته دیگری که مفصلاً در دفتر سیاسی ما مورد بحث قرار گرفت این بود که آیا پیشمرگها سلاحهای خود را تحویل دهند یا خیر. دفتر سیاسی معتقد است که تحویل دادن اسلحه ممکن نیست. تصدیق می کنید که پس از ده سال جنگ و اینهمه قربانی، خودمختاری سمبل درخواستهای ما شده است. می گویند واژه دیگری به کار ببریم؟ وقتی شما محتوای خودمختاری را می پذیرید دیگر چرا از واژه ها می ترسید؟ نسل من نسل دموکراسی و خودمختاری است. جل نشدن مسئله کردها ممکن است کار را به تمایلات گریز از مرکز و جدایی خواهی بکشاند.'

صحراوردی رشته سخن را در دست می گیرد:

'این برای اولین بار است که ما درباره تفکر اسلام نسبت به مسئله ملیتها بحث می کنیم. ما برای حل مشکلات به حرف هیچکس گوش نمی دهیم، نه شرق، نه غرب، و جان خود را در راه آرمانهایمان حاضریم از دست بدهیم.'

قاسملو می گوید: 'من این مشکلاتی را که شما می گویند بر سر راه اعلام خودمختاری وجود دارد قبول ندارم... الان آقای خامنه ای و آقای رفسنجانی نماز جمعه تهران را اداره می کنند و می توانند در نماز جمعه مسئله خودمختاری کردستان را پیش بکشند.'

قاسملو سپس خودمختاری موردنظر خود را چنین شرح می دهد: 'ما به چهار نکته اصلی معتقدیم: یکی این که خودمختاری یعنی عدم تمرکز حکومت. موضوع مهم دوم برای ما زبان کردی است. کردی باید زبان رسمی منطقه کردنشین باشد. مسئله سوم، تعیین حدود منطقه خودمختار است. به این منظور باید عوامل جغرافیایی، اقتصادی و بخصوص اراده اهالی مناطق کردنشین را در نظر گرفت. مسئله چهارم برای کردها مسئله ای اساسی است: امنیت داخلی منطقه کردنشین باید توسط کردها اداره

شود... ما بیش از این چیزی نمی خواهیم. در مورد اجرای این شرایط ما واقعگرا هستیم. مثلاً برای تعیین مرزها مسلمانان اختلافاتی وجود خواهد داشت ولی شما اگر مسایل اصلی را بپذیرید ما برای جزئیات جنگ نخواهیم کرد. تغییر واژه خودمختاری غیرممکن است. این واژه برای ملت کرد بار عاطفی و تاریخی دارد. یک نماد است. من تصور می کنم که شما محتوای آن را می پذیرید ولی نمی خواهید این واژه به کار برود. وقتی کسی یک متن مذهبی اسلامی را می خواند نمی تواند با بسم اله الرحمن الرحیم شروع نکند، در این مورد هم همینطور است. شما خودمختاری را می پذیرید ولی بسم اله آن را نمی پذیرید در اینجا نمایندگان جمهوری اسلامی می گویند که پیش از ادامه مذاکرات 'که امید زیادی آفریده است' باید با تهران تماس بگیرند.

روز بعد، ۱۲ ژوئیه، صحراوردی می گوید با 'برادران' تماس گرفته است و می افزاید: 'شما دیروز، گفتید که مقامات جمهوری اسلامی در نمازجمعه مسئله خودمختاری را مطرح کنند... مسایلی هست که مسئولان و ائمه جمعه می توانند مطرح کنند ولی مسایلی هست که ما در مورد آن اختلاف نظر داریم...'

صحراوردی سپس مفصلاً حاشیه می رود و نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی چگونه مسایل خود را حل می کند - یا نمی کند - وی می گوید: 'البته مسایل دیگری هم هست. از ده سال پیش بحث خیلی داغی درباره نقش بازار جریان دارد... بعضیها معتقدند که نباید گذاشت اقتصاد ایران را بازار در دست بگیرد و مستضعفین به صورت شهروند درجه ۲ درآیند. در آن موقع امام زنده بودند و گفتند اسلام نه طرفدار سرمایه داریست نه طرفدار اقتصاد دولتی، بلکه امری بین آنهاست. یک راه سوم است که قواعد خودش را دارد. سیاست خارجی را برایتان مثال بزنم: سه بار قوانین به مجلس ارائه شد ولی بدون نتیجه... تا این که مجبور شدند آنها را به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع کنند. حالا برگردیم بر سر موضوع خودمختاری... در این مورد هم، مثل مورد اقتصاد، دو نظریه وجود دارد. یک نظریه می گوید در زمان حضرت علی، حضرت از مرکز خلافت اسلامی حکومت می کرد و مناطق دیگری هم وجود داشت به اسم 'ولایت که' و 'الیهای' آنها اختیاراتی خیلی وسیعتر از خودمختاری امروزی داشتند. یک مکتب دیگر می گوید نخیر، این مربوط به زمان حضرت علی بود و امروز دنیا طور دیگری است، دشمنان ما را احاطه کرده اند. اعضای ناتو، رژیمهای ارتجاعی، اینها نمی گذارند که خودمختاری در حد و مرز خود باقی بماند. سعی می کنند آن را گسترش دهند و به تجزیه برسانند. خودمختاری چیزی نیست که با یکی دو سخنرانی در نماز جمعه حل بشود. مسئله دوم این است که حزب دموکرات می خواهد در همین حالی که وضع فعلی حفظ می شود با جمهوری اسلامی هم مذاکره کند ولی من مطمئنم که این وضع قبول نمی شود.'

صحراوردی در ادامه سخنانش باز هم در زمینه نحوه عملکرد رژیم جمهوری اسلامی حاشیه می رود و می گوید: 'مثال دیگری برایتان بزنم، در زمینه سیاست خارجی، این تصمیمهایی که اکنون می بینید، پس از سالها بحث گرفته شده است. تصمیم به قطع روابط با آمریکا یا ایجاد روابط با شوروی، یک شبه یا توسط یکی دو نفر گرفته نشده است. بحثها شده تا این که بعد از سه سال ده سال، ۱۱ سال و با

توجه به اوضاع شوروی به این نتیجه رسیده اند که با آنها توافقی نباشد. چرا؟ چون مسایل افغانستان را داریم، پاکستان، خلیج و البته با غرب هم چون مشکل داریم. این است که درباره خودمختاری هم باید سالها بحث شود. من مطمئنم که در شرایط فعلی خودمختاری را آطور که شما می گویند، قبول نخواهند کرد.'

در اینجا حاج مصطفی وارد گود می شود و می گوید: 'بسم اله الرحمن الرحیم. احزاب کمونیست متکی هستند بر نظریات استالین درباره ملیتها. اعراب می گویند نظر ما این است. احزاب سوسیال دموکرات نظر خودشان را دارند. در مورد ما نیروهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران تا بحال مسئله ملیتها تحلیل نشده است. اگر بشود که جمهوری اسلامی از نظر تئوریک جدا در این باره کار کند توفیق بسیار خوبی خواهد بود. در اسلام البته سنت پیامبر و جانشینان او هست. امیدواریم که نظام به این مسایل بپردازد و بین آنچه سنت می گوید و آنچه شما می خواهید حد وسطی به دست آید. قاسملو می گوید: 'شما می گویند مسئله اصلی فعلاً نه حل مشکل خودمختاری بلکه تعیین چگونگی روابط میان حزب دموکرات و جمهوری اسلامی است. ما آمده ایم از شما حل مسئله خودمختاری را بخواهیم. او سپس توضیح می دهد که حق تعیین سرنوشت می تواند تحت چند شکل صورت گیرد، استقلال - فدرالیسم - خودمختاری. وی می گوید: 'مسئله ما این است که بدانیم جمهوری اسلامی آیا واقعا می خواهد مسئله ملیتها را در ایران حل کند یا نه، اگر آری، به چه شکل؟ به شکل استقلال یا فدرالیسم یا خودمختاری؟ ما کردها حداقل درخواست را کرده ایم. ولی فدرالیسم را هم قبول می کنیم. البته به عقیده من چون اسلام در آن زمان نوعی فدرالیسم را قبول کرده بود بهتر است فدرالیسم را بگیریم و مثلاً یک اتحاد جمهوریهای فدرال ایران درست کنیم. حالا اگر شما نه استقلال را می پذیرید نه فدرالیسم را و نه خودمختاری را، پس معلوم است که نمیخواهید مسئله ملیتها را حل کنید. شاید فردا یک بخش دیگر ایران خودمختاری بخواهد. باید شجاعت داشت و مسایل داخلی ایران را با اصول و قوانینی مشابه برای همه، برای اعراب و بلوچها و ترکمنها و کردها حل کرد. اگر امروز نتوانیم این مشکلات را حل کنیم در آینده برای مملکت بلایی خواهد شد.'

پس از بحث مختصری، مذاکره کنندگان برای فردا قرار می گذارند.

فاضل رسول، واسطه کرد عراقی، می گوید: 'یا شما به توافقی می رسید و میخواهید مذاکره را، بدون این که جنگی در کار باشد، ادامه دهید یا در عین ادامه جنگ مذاکرات را هم ادامه می دهید. ولی بهتر است همین حالا به توافقی برسیم... موقعیت مناسب است. سه سال یگر شاید وضع فرق کند، تعادل یا عدم تعادل قوا طور دیگری بشود، شرایط فرق کند...'

اینها آخرین کلمات اوست. صدای میز و صندلی و سپس چهار بار صدایی خفه شبیه صدای شلیک گلوله به وسیله صداخفه کن شنیده می شود بعد سکوت... هنگامی که همسایه ها به وسیله صحراوردی که خودش زخمی شده است پلیس را خبر می کنند، پلیس در آپارتمان با اجساد سه کرد روبرو می شود...

## کانون نویسندگان و قتل اهل قلم

امسال مصادف با سی امین سالگرد تأسیس کانون نویسندگان ایران و بیستمین سالگرد برگزاری شبهای شاعران و نویسندگان است و به این مناسبت مراسمی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا، از طرف کانون نویسندگان ایران در تبعید برگزار گردید.

کانون نویسندگان ایران در تبعید در پیامی که در ۱۹ آبان ۷۶ انتشار داد از جمله به ترور و قتل اهل قلم اشاره کرد و نوشت:

... سوگند و پیمان که نشینیم تا ندانیم سعید سلطانپور چه شد؟ سعیدی سیرجانی چه شد؟ فریدون فرخزاد چه شد؟ احمد میرعلایی چه شد؟ زال زاده چه شد؟ غفار حسینی چه شد؟ احمد تقضلی چه شد؟ یاران را چه شد؟ این بازخواست ماست از شما! ای در حکومتیان، کوتاه آستینان، بازخواستی در همه حال پا برجا تا تابش نور حقیقت بر این در مرگ افتادگان، این یک در میان گذری، آن یک در کنار راهی، یکی در خانه، یکی در زندان، آن یک در تیرباران. هر یک به گونه ای فتاده در خون خود...

### 'اسکوریت به سوی تهران'

کتابی درباره ترور دکتر قاسملو

'اسکوریت به سوی تهران' نتیجه تحقیقات دکتر پیترو پیلنسی، اتریشی، است درباره ترور دکتر قاسملو و همراهانش در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۹ در وین. در این کتاب اسناد و مدارکی چاپ شده است نشانگر چگونگی ورود تروریستها به اتریش، انجام ترور، سهل انگاری مسئولان اتریشی در دستگیری و محاکمه عاملان ترور و نیز این که چگونه برخی مسئولان این کشور قانون و مقررات را زیر پا نهاده و موجبات بازگشت تروریستها را به ایران فراهم کردند. در این کتاب چندین سند چاپ شده که همگی نشانگر سهل انگاری دولت اتریش در مورد این رویداد است.

این کتاب ۲۰۷ صفحه ای مقدمه مفصلی هم دارد درباره تاریخ ملت کرد، شخصیت دکتر عبدالرحمن قاسملو و مبارزات حزب دموکرات کردستان ایران. انتشار این کتاب در رسانه های گروهی اتریش انعکاس وسیعی داشته و بحثهای بسیاری پیرامون مطالب و اسناد مندرج در آن صورت گرفته است.

### دستگیری ابراهیم یزدی

آقای ابراهیم یزدی رئیس 'نهضت آزادی ایران' روز ۲۲ آذر ۷۶/۱۴ دسامبر ۹۷، از سوی قوه قضایی جمهوری اسلامی احضار و بدون هیچ توضیحی دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. او بعد از دو هفته با سپردن وثیقه، و در انتظار تشکیل دادگاه، آزاد گردید.

این دستگیری بعد از انتشار بیانیه اعتراضی شخصیتهای مختلف اپوزیسیون قانونی دولت ایران در اعتراض به حمله عوامل حزب اله به خانه و کلاس درس آیت اله منتظری در قم، صورت گرفت.

دستگیری ابراهیم یزدی موجی از مخالفت و انزجار سازمانها و شخصیتهای سیاسی اپوزیسیون ایران و همچنین نهادهای دفاع از حقوق بشر را برانگیخت. در همین ارتباط کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی با انتشار یک بیانیه مطبوعاتی خواستار آزادی بلافاصله ابراهیم یزدی شد و اعلام کرد که هدف از دستگیری مزبور احیای فضای سرکوب و ترور در ایران است و این اقدام در تناقض با گفته های محمد خاتمی است که به مناسبتهای گوناگون وعده حکومت قانون و رعایت حقوق و آزادیهای فردی را می دهد.

### حقوق سیاسی و مدنی در ایران همچنان پایمال می شود

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، پاریس، به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، در دهم دسامبر ۹۷ اطلاعیه ای منتشر کرده و در آن ادامه مستمر نقض حقوق بشر در ایران را یادآور شده است. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: ... آخرین اخباری که از ایران رسیده اند: ترور مبارزان حزب دموکرات کردستان ایران، بر هم زدن سخنرانی دکتر پیمان و سیمین بهبهانی، دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاد شده، آزار و اذیت هواداران منتظری و ... جز این نشان نمی دهند و تمامی تفسیر و تحولات مناسبات جناحهای مختلف رژیم جمهوری اسلامی در ادامه همان سیاست خونبار هیچ تغییری ایجاد نکرده است.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس، در آخرین پنجشنبه هر ماه، از ساعت ۱۷ تا ۱۸ یک برنامه رادیویی به نام "برای آزادی" روی طول موج اف. ام. ردیف 106.3 پخش می کند.

### تروریستهای جمهوری اسلامی در تقاطع بازرسی وجاده های تحت کنترل اتحادیه مینی آزادی عمل تروریستی دارند

بنا به اطلاعیه مطبوعاتی حزب دموکرات کردستان ایران، روز دو شنبه ۱۷ آذر ماه برابر با ۸ دسامبر، اتومبیل حامل چند تن ازمسولین و کادر های این حزب که از شهر سلیمانیه به کوی سنجق عازم بودند، مورد تهاجم غافلگیرانه یک گروه از تروریستهای جمهوری اسلامی واقع شدند. در اثر این اقدام تروریستی آقای منصور فتاحی از کادرهای برجسته حزب جان باخت و یک نفر نیز مجروح گردید. دیگری که از این مهلکه تصادفا نجات یافته بودند، در حالیکه رفقای کشته و زخمی شده خود را بهمراه داشتند، راه را بطرف کویسنجق ادامه دادند. اینبار وقتی که به نقطه تقشش همیشگی اتحادیه میهنی واقع در ورودی شهر کویسنجق یعنی یکی از مراکز اصلی استقرار ارگانهای دولت خود مختار کردستان عراق رسیدند نیز بار دیگر مورد تهاجم دسته دیگری از تروریستهای جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در بیانیه حزب گفته شده است

که همه افراد نجات یافته از عملیات تروریستی چند ساعت پیش، به ضرب گلوله پاسدارانی که از چتر حمایتی اتحادیه میهنی برخوردار بودند جان خود را از دست دادند.

### محاكمة حبیب اله پیمان

در پی هجوم انصار حزب اله به منزل و کلاس درس آقای منتظری در قم و بازداشت آقای ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، آقای حبیب اله پیمان نیز، یکی دیگر از شخصیتهای اپوزیسیون قانونی جمهوری اسلامی، به دادگاه احضار و محاکمه شد. طبق اخبار منتشره ایشان که رهبر جنبش مسلمانان مبارز است، بعد از ظهر روز ۲۴ دیماه ۷۶/۱۴/۱۴ ژانویه ۹۸، ظاهرا به اتهام انتشار نشریه ماهانه ای حاوی برگزیده اخبار کشور، از جمله خبرهای درج شده در رسانه های خبری رسمی رژیم ایران، احضار، محاکمه و به پرداخت ۱۵۰ هزار تومان جریمه محکوم شد.

### شکستن سنگ قبر در پاریس

بنا بر خبر نشریه مجاهد، شماره ۳۷۳، ۲۲ دی ۱۳۷۶، هفته گذشته "سنگ مزار خانم زهرا رجبی از اعضای این سازمان و نیز عضو شورای ملی مقاومت، در قبرستان پرلاشز پاریس، شکسته شده بوده است.

زهرا رجبی در اسفند ۱۳۷۴ در ترکیه به دست تروریستهای حکومت ایران ترور شده بود. شورای ملی مقاومت در اطلاعیه ای به تاریخ ۶ ژانویه ۱۶/۹۸ دی ۷۶ خواستار پیگیری این حادثه از طرف مجامع حقوق بشر شده است.

نشانی کمیته:

**C.I.C.R.E.T.E**  
**42 RUE MONGE**  
**75012 PARIS- FRANCE**  
**FAX: 33-1-43 44 14 52**

شماره حساب بانکی

برای کمک های مالی:

**C.C.P**  
**3943263 w l a source**  
**France**

آدرس اینترنت:

Homepage: <http://ourworld.compuserve.com/Homepage/iran-rep>  
Email: [iran-rep@compuserve.com](mailto:iran-rep@compuserve.com)